

## دانشنامهٔ دین

دانسته می‌شود اما بخشی از کتاب مقدس عبری نیست (این کتاب‌ها در کلیسای ارتدوکس نیز قانونی دانسته می‌شود). در قرن شانزدهم و در عصر اصلاحات که کلیساهای پروتستان به کتاب‌های قانونی یهود (کتاب مقدس عبری) بازگشتند، کتاب‌های ثانویهٔ کاتولیکی، نزد پروتستان‌ها کتاب‌های آپوکریف دانسته شد که به معنای غیرقانونی است. در تحقیقات قرن نوزدهم در باب کتاب مقدس، اصطلاح جدیدی برای آن دسته از کتاب‌های یهودی باستانی ابداع شد که کاتولیک‌ها یا پروتستان‌ها آنها را قانونی نمی‌دانستند. امروزه این کتاب‌ها، کتاب‌های جعلی (pseudepigrapha) - به معنای مجعول/منسوب به خطا) - به معنای کتاب‌هایی که به اشتباه به نویسندگان کتاب

### Apocrypha

### آپوکریف

در میان متون مرتبط با کتاب مقدس، به آثاری گفته می‌شود که در خارج از کتاب‌های قانونی پذیرفته شده قرار دارد. تاریخ کاربرد این واژه، نشان‌دهندهٔ آن است که این اصطلاح به مجموعه‌ای از آثار رمزی اشاره دارد که در ابتدا نوشته‌هایی با ارزش تلقی شد، سپس تحمل شد و سرانجام کنار گذاشته شد. واژهٔ apocrypha به معنای عام آن، رفته‌رفته به معنای هر یک از آثاری گفته شد که اعتبارش مشکوک بود. واژهٔ آپوکریف در کاربرد امروزیش بر کتاب‌های باستانی یهودی اطلاق می‌شود که در آیین کاتولیک قانونی درجه دوم (deuterocanonical) گفته می‌شود - به معنای کتاب‌هایی که نزد کاتولیک‌ها قانونی

حال کتاب‌های آپوکریف عهد عتیق را به عنوان قانونی درجه دوم شناخت که عبارت است از طوبیت، یودیت، حکمت سلیمان، و مجموعه (حکمت یسوع بن سیرا)؛ کتاب سوم عزرا؛ کتاب اول و دوم و سوم مکابیان و کتاب باروخ و نامه‌های ارمیا.

کتاب‌های منسوب در عهد عتیق بسیار است و به افراد مختلفی از آدم تا زکریا نسبت داده شده است. بعضی از مهم‌ترین این کتاب‌ها عبارت است از عروج اشعیا، عروج موسی، زندگی آدم و حوا، کتاب‌های اول و دوم حنوخ، کتاب یوبیل، رساله‌ارستیا و شهادت‌های پدران دوازده گانه.

همه کتاب‌های آپوکریف عهد جدید معجول‌العنوان است و بیشتر آنها از سنخ نوشته‌های سرگذشت‌نامه‌ای (اعمال)، انجیل، و یارساله (به مؤمنان) است. هر چند تعدادی کتاب مکاشفه نیز هست که بعضی از آنها را می‌توان کتاب‌های حکمت نامید. بعضی از کتاب‌ها بیانگر کشمکش‌ها و حوادثی با زبان رازورانه است و آداب و شعایر رمزی را توصیف می‌کند. خاستگاه بیشتر این کتاب‌ها فرقه‌هایی است که بدعتگذار بوده یا چنین اعلام شدند که نمونه مهم آنها فرقه گنوسی است. در نخستین دهه‌های اولیه مسیحیت هیچ‌گونه راست دینی تثبیت نشده بود و گروه‌ها یا فرقه‌های

مقدس نسبت داده شده - نامیده می‌شود. به هنگامی که یونانی، زبان رایج محاوره‌ای در منطقه مدیترانه بود، عهد عتیق - کتاب مقدس عبری - نزد بیشتر مردم نامفهوم بود. به همین دلیل، دانشوران یهود ترجمه سبئینیه/هفتادی (Septuagint) را عرضه کردند که در آن کتاب‌های عهد عتیق از متون مختلف عبری - که بعضی از بخش‌های آن به زبان آرامی بود - به یونانی ترجمه شد. این نسخه متضمن شماری از کتاب‌ها بود که بعدها محققان یهودی غیر یونانی‌مآب در شورای یونیه (۹۰ میلادی) آن را خارج از کتب قانونی عبری دانستند. تلمود این کتاب‌ها را به عنوان سفاریم (Hizonim) به معنای کتاب‌های غیراصیل شناخت. ترجمه سبئینیه پایه مهمی برای ترجمه عهد عتیق به زبان لاتین در وولگات به وسیله جروم بود و او اگر چه درباره اصلت بعضی از کتاب‌های آن تردید داشت، اولین کسی بود که واژه یونانی *apokryphos* - به معنای پنهان، مقدس - را به معنای غیرقانونی به کار برد. در ۸ آوریل سال ۱۵۴۶ شورای ترنت قانونی بودن تقریباً تمام وولگات را اعلام کرد، مگر تنها کتاب سوم و چهارم مکابیان، دعای منشه، مزمور ۱۵۱ و کتاب اول و دوم عزرا. مسیحیت شرقی در همین

مختلفی برای برتری و نظم بخشی به کلیسای جوان در رقابت بودند. در چنین شرایطی، تقریباً تمامی کتاب‌هایی که از باورهایی حمایت می‌کرد که بعدها بدعت‌آمیز تلقی شد، به ناپودی محکوم شدند.

علاوه بر خود آثار آپوکریف، عهد جدید متضمن کتاب‌ها و بخش‌هایی بود که، به معنای دوم اصطلاح قانونی درجه دوم، به معنای افزوده‌های بعدی است. نامه به عبرانیان، منسوب به پولس - که پیش از کتابت این رساله درگذشت - یکی از این کتاب‌هاست. دیگر کتاب‌ها عبارت است از نامه‌های یعقوب، پطرس دوم، یوحنا دوم و سوم و یهودا و مکاشفه یوحنا. بخش‌های ناقص عبارت است از مرقس ۱۶: ۹-۲۰، لوقا ۲۲: ۴۳-۴۲، یوحنا ۷: ۵۳ و ۸: ۱ - همه این کتاب‌ها در کتاب‌های قانونی کلیسای کاتولیک وجود دارد و کلیسای شرق و بیشتر کلیساهای پروتستان آن را پذیرفته‌اند.

*Merriam-Webster's Encyclopedia of World Religions*, p. 65.

بهروز حدادی

Ethics

اخلاق‌شناسی

اصول رفتار درست و نادرست؛ اساس انجام آنچه درست است و تشخیص آنچه نادرست

است، از موضوعات بنیادین در سراسر کتاب مقدس است. بی‌شک بسیاری از خوانندگان کتاب مقدس، تفکیک دین از اخلاق را سخت می‌یابند؛ خداوند برخی از افعال نظیر قتل را ممنوع کرده است؛ زیرا به خودی خود نادرست است. پیامبران عهد عتیق، به کرات خواستار جامعه‌ای عدالت محور بودند که در آن، به فقرا ظلم نشود و رشوه غیرقانونی اعلام شود - اینها اصول رفتاری بنیادینی است که از قربانی‌ها و هدایایی سوختنی از اهمیت بیشتری برخوردار است (هوشع ۶: ۶). با وجود این، احکامی وجود دارد (نظیر فرمان چهارم از ده فرمان که بر حفظ حرمت روز شنبه دلالت می‌کند) که کاملاً دینی است، نه بخشی از قانون اخلاقی عام و جهانی (که گاهی از آن به قانون طبیعی یاد می‌شود).

امروزه به طور گسترده‌ای اعتقاد بر آن است که دین و اخلاق دو حوزه متمایز از آگاهی انسان است و هر یک استقلال خاص خود را دارد. بسیار محتمل است که فردی غیردینی به اصول اخلاقی برجسته پایبند و از سوی دیگر کاملاً محتمل است که فردی مؤمن و مذهبی با وجدان آگاه از معیارهای رفتاری بیگانه باشند. در عهد عتیق، نمونه‌هایی از قساوت‌های وحشتناک وجود دارد که به نام خدا اتفاق افتاده است؛ مثلاً

ننوشت، بلکه حکایت‌ها و تمثیل‌های گفته‌شده توسط عیسی و بسیاری از محاوره‌های او به یاد سپرده شده بود و در روزهای نخست کلیسا، این خاطرات همواره (سینه به سینه) منتقل می‌شد. حفظ و ذخیره این سنت‌ها به دست انجیل‌نویسانی صورت گرفت که تلاش نمودند تا اعضای کلیسه و اهل مجادله را در بحث‌هایشان تشویق و ترغیب نمایند. در آن زمان، کسانی به تازگی به کلیسا پا گذاشته بودند که می‌خواستند بدانند چگونه یک انسان نیکوکار (عیسی) به دست رومیان پذیرای رنج و مرگ شد. از این گذشته، او را نجات‌بخشی می‌دانند که از مردگان برخاست. تعجب‌آور نیست هنگامی که مرقس ترغیب شد (شاید در رم) که این خاطرات را که در کلیسا واقع شده بود، به رشته تحریر در آورد، انجیل‌اش تبدیل شد به شرح جزئیاتی از محاکمه و اعدام عیسی، به همراه مقدمه‌ای شامل گزیده‌هایی از تعالیم و نمونه‌هایی از معجزات. این امر به جانشینان مرقس موکول شد که روایت او را، نه فقط با گزیده‌های بسط‌داده‌شده از تعالیم عیسی بلکه با روایتی در مورد نحوه تولدش تکمیل کنند. انجیل متی بیشتر از نظم و ترتیب انجیل مرقس تبعیت می‌کند، اما مطالب بسیاری را در پنج گفت‌وگوی مهم

وقتی که سموئیل اجاج [پادشاه عمالیق] را به حضور خداوند تکه‌تکه کرد (اول سموئیل ۳۳:۱۵) یا لای که [جسد] کنیزش را تکه‌تکه کرد (داوران ۱۹:۲۹). از سوی دیگر، این یک بینش دینی بود که قربانی‌کردن انسان را ممنوع کرد، به هنگامی که دست ابراهیم را در عمل کشتن پسرش، اسحاق، بست (پیدایش ۲۲:۱۲) با این حال، استناد به قوانین متمدن جنگ بود که زندگی‌های آرامیان به دام افتاده در سامره را نجات داد (۲ پادشاهان ۶:۲۲) نه صدای خدا. بنابراین اگرچه دین و اخلاق را حتی در کتاب مقدس باید متمایز از یکدیگر تلقی کرد اما به طور آشکار رابطه میان آن دو تنگاتنگ است و هم‌پوشانی زیادی بین آنها وجود دارد.

*Oxford Dictionary of the Bible*, p. 123.

### زینب نژادی

**اناجیل چهارگانه Four Gospels**  
 اناجیل چهارگانه، عبارت است از اناجیل به روایت مرقس، متی، لوقا و یوحنا که نیمه دوم قرن اول گردآوری و تدوین شد و طبق رسم و فرهنگ زمانه بلند خوانده می‌شد. همه این اناجیل برای تأمین نیازهای احساس‌شده در کلیسای در حال توسعه نوشته شده بود. در ابتدا، فقط سنت شفاهی وجود داشت و خود عیسی حتی کلمه‌ای

(حدود ۱۴۰م) که در نجع حمادی کشف شد. این انجیل مجموعه‌ای از ۱۱۴ گفتهٔ ادعایی عیسی به زبان قبطی است. اما این انجیل آپوکریف، پاداش نجات (جاودانگی) را به کسانی ارزانی می‌دارد که معرفت درست را به دست آوردند.

اناجیل، زندگینامه به اصطلاح امروزی نیست و نقادان شکلی تأکید نمودند که اینها (اناجیل) به هیچ معنایی زندگی‌نامه محسوب نمی‌شوند اما می‌توان آنها را به عنوان زندگی‌نامه‌هایی که در دنیای کهن نوشته می‌شد، دانست؛ با این اختلاف ویژه که، آنها حوادث یگانه‌ای را شرح می‌دهند و ادعا می‌کنند که وعده‌های عهد عتیق تحقق یافته است.

*Oxford Dictionary of the Bible*, p. 155.

میترا رحمتی

عیسی به آن می‌افزاید که نگارندهٔ (انجیل) در آن دخل و تصرف کرده است. او سبک و روش مرقس را با حذف اطناب کلام بهبود می‌بخشد و برخی از نکات مبهم آن را روشن می‌کند. انجیل لوقا نیز از روش مرقس استفاده می‌کند، اما کمتر پایبند آن است. پس این سه انجیل نخست، در بسیاری از مطالب مشترک است و می‌توان این مطلب را با مقایسهٔ کلمه به کلمه و بند به بند در سه ستون کنار هم نشان داد. به همین دلیل، این سه انجیل، انجیل‌های هم‌دید (synoptic) نامیده شده‌اند؛ به معنای انجیل‌هایی که می‌توان آنها را در کنار هم دید. چهارمین انجیل (انجیل یوحنا) در مقولهٔ دیگری قرار دارد و یقیناً پس از دیگر اناجیل نوشته شده است. این انجیل از حیث سبک، محتوا و نقاط مورد تأکید الهیاتی از سایر اناجیل متفاوت است. بسیاری از بخش‌های آن به توضیح مطالبی می‌پردازد که در اناجیل هم‌نوا به صورت قطعات جدای از هم یا کنایات نهفته آمده است. اناجیل چهارگانه، پایان این ماجراهای ادبی نبود، اگرچه آثاری بود که در موقع مناسب به وسیلهٔ کلیسا بخشی از فهرست قانونی عهد جدید اعلام شد. اما گنوسی‌ها و دیگران از نسخه‌های مشابهی از داستان عیسی طرفداری کردند؛ مانند انجیل توماس

## بَرّهٔ خدا **Lamb of God**

لقبی که یحیای معمدان، عیسی را بدان توصیف کرد (یوحنا ۱: ۲۹-۳۵)<sup>۱</sup> و در کتاب مکاشفه به عنوان نماد مسیح مطرح شده که به مثابهٔ فدیۀ گناه، قربانی شد

۱. روز بعد، یحیی عیسی را دید که به سوی او می‌آید. پس به مردم گفت: نگاه کنید این همان بره‌ای است خدا فرستاده تا برای آمرزش گناهان تمام مردم دنیا قربانی شود.

می‌شود. شکل‌ها و آداب تعمید در کلیساهای مختلف متفاوت است اما تقریباً در همه به شکل یکسانی آب و تثلیث حضور دارد: «من تو را تعمید می‌دهم به نام پدر، به نام پسر و به نام روح القدس.» فرد داوطلب ممکن است که به طور کامل یا ناقص در آب فرو رود؛ آب ممکن است که بر سر فرد تعمید یافته ریخته‌شود یا تنها قطراتی از آب به او پاشیده شود یا بر سر وی ریخته شود.

فرو رفتن در آب به عنوان یک آیین از دیر زمان نقش مهمی در آیین یهودیت داشته و نمادی از تطهیر شناخته می‌شده است (در میقوه، *Mikva*، به مثابه آیین غسل) یا به عنوان نماد تقدیس (در آیین‌های تغییر آیین که با دعاها و خاصی توأم بوده است). این مسئله اهمیت بسیاری

(مکاشفه ۵: ۱۴۶).<sup>۱</sup> شاید بتوان گفت که در ورای این اصطلاح در یوحنا یک، نفوذ و تأثیر اسحاق، بنده رنج‌کشیده خدا، باشد. در پاره‌ای از نوشته‌های مکاشفه‌ای، بزه سمبل چهره‌ای است که مقدر شده است که بر سر و گناه غلبه یابد که چهار پایان نمادهای آنند. در انجیل یوحنا (نه در اناجیل همدید)، زمان مرگ عیسی زمان کشتن بزه‌های عید فصیح در معبد دانسته داده شده است (نگاه کنید به اول قرن‌تیان ۵: ۷).<sup>۲</sup>

*Oxford Dictionary of the Bible*, P. 22

الف. ابراهیمی

**تعمید**  
**Baptism**

در مسیحیت، آیین تولد مجدد و ورود به کلیسای مسیحی؛ این واژه برگرفته از فعل یونانی *bpato* به معنای «در آب فرو می‌روم» است. بر اساس یکی از مفاهیم برگرفته از پولس حواری، که شاید تحت تأثیر عمل ختنه نوکیشان بالغ در باور یهودیت است، عمل تعمید به معنای مرگ زندگی قبلی و ظهور فرد جدیدی است که با پذیرفتن نام جدیدی، بر آن مهر تایید زده می‌شود. تعمید بی‌اثر شدن کامل گناهان فرد در گذشته است به گونه‌ای که فرد از آن به سان فردی کاملاً بی‌گناه سر بر می‌آورد. در تعمید، فرد یکی از اعضای کلیسای مسیح می‌شود و در جسم عیسی مسیح شریک

۱. آن‌گاه صدای تمام موجودات آسمان و زیرزمین و دریاها را شنیدم که می‌سرودند و می‌گفتند: ستایش و حرمت و جلال و قوت از آن بره و آن‌که بر تخت نشسته است بادا.

۲. چگونه می‌توانید به پاکی و روحانیت خود ببالید، در حالی که اجازه می‌دهید یک چنین رسوایی در میان رخ دهد؟ مگر نمی‌دانید که اندکی خمیرمایه در تمام پنیتر اثر می‌کند و باعث برآمدن آن می‌شود؟ پس این خمیرمایه گناه، یعنی این شخص فاسد را که چنین رسوایی به بار آورده است، از میان خود بیرون کنید تا خمیری تازه و فطیر باشد، که البته می‌دانم همین‌طور هستید؛ زیرا اکنون عید فصیح فرا رسیده و مسیح که قربانی این عید می‌باشد، قربانی شده است.

فرو می‌رفتند؛ با این حال اشاراتی نیز به ریختن آب شده است. بیشتر کسانی که در کلیسای اولیه تعمید گرفتند، نوکیشانی از ادیان یونانی-رومی بودند و از این رو، افراد بالغ بودند.

در آیین کاتولیک، تعمید معمولاً به دست کشیش انجام می‌شود. با این حال، کلیسا تعمید اعطاشده از سوی کسانی را نیز می‌پذیرد که «با نیت انجام آنچه کلیسا انجام می‌دهد»، آن را انجام می‌دهند. تعمید به مثابه آیین تولد مجدد قابل تکرار نیست. (در آیین کاتولیک روم، تعمید به شکل مشروط در موردی تکرار می‌شود که یا واقعیت تعمید دچار تردید شده باشد یا استفاده درست از مراسم.)

در دوران جدید دو نکته همچنان قابل مناقشه است. یکی تعمید به وسیله ریختن آب نه فرورفتن در آب؛ گرچه آنچه مبنای کتاب مقدسی دارد و از مراسم کلیسای اولیه است، شاید در آب فرورفتن باشد. دوم تعمید اطفال است. امروزه هیچگونه شاهد محکمی برای تعمید اطفال در قبل از سده سوم در دست نیست و مراسم شعاعیری باستانی برای تعمید افراد بالغ بوده است. آیین شعاعیر و دستورالعمل‌های دینی به روشنی در مورد بالغانی است که این آیین را می‌پذیرند. بدون این تصمیم‌گیری، این

در آیین‌های اسنیا نداشت. بر پایه انجیل، یحیای معمدان عیسی مسیح را تعمید داد. گر چه هیچ گزارشی واقعی از نهاد تعمید به دست عیسی در دست نیست، انجیل متی مسیح برخاسته را به این شکل تصویر کرده است که به پیروان خود این مأموریت عظیم را داد که «به میان امت‌ها بروید و...» اما به هر حال از این الگو در جای دیگری در عهد جدید استفاده نشده است. از این رو، بعضی از محققان گفته‌اند که نقل قول مذکور در متی حاکی از سنتی است که از در هم آمیختن اندیشه تعمید معنوی (مانند آنچه در اعمال رسولان ۱: ۵ آمده) با آیین‌های تعمیدی اولیه (مانند آنچه در اعمال رسولان ۱۶: ۸ آمده) و گزارش‌های پنجاه‌گرای بعد از این نوع مراسم (مانند آنچه در اعمال رسولان ۱۹: ۶-۵ آمده) به وجود آمده است.

تعمید در جامعه مسیحی در قرن نخست اهمیت بسیاری داشت، اما محققان در این مسئله دچار اختلاف شدند که ضرورت تعمید به خاطر تولد جدید و عضویت در ملکوت خداوند است یا تنها نشانه یا نماد بیرونی تولد دوباره درونی است. در قرن دوم گویا کمترین حد تعمید مجاز، استفاده از آب و توسل به تثلیث بوده است. غالب داوطلبان تعمید سه بار در آب

بزرگ‌ترین گروه مسیحی که تنها به تعمید افراد بالغ می‌پردازد نه اطفال، باپتیست‌ها و «کلیسای مسیحی» (شاگردان مسیح) است.

*Merriam-Webster's Encyclopedia of World Religions*, p. 110

بهر روز حدادی

آیین را نمی‌توان دریافت کرد. کلیسای کاتولیک روم این اصل را با معرفی بالغانی (پدر و مادران تعمیدی) پذیرفت که این تصمیم را برای کودکان به جای پدر و مادرشان می‌گیرند. انتظار می‌رود که اطفال این تصمیم را بپذیرند و در نتیجه از تصمیمی که بزرگ‌ترها گرفته‌اند، حمایت کنند.



**جنبش بیداری عظیم Great Awakening**  
جنبش احیای دینی در مستعمرات انگلیسی‌آمریکایی که بیشتر در حدود سال‌های ۱۷۲۰ و دهه ۱۷۴۰ میلادی رخ داد. این جنبش بخشی از شور و هیجان دینی بود که غرب اروپا در اواخر قرن هفدهم و اوایل قرن هیجدهم را در نوردید و پروتستان‌ها و پیروان کلیسای کاتولیک در اروپای قاره‌ای از این جنبش تحت عنوان پیرایشگری (Pietism) توکل (Quetism)

در دوران اصلاحات دینی، لوتری‌ها، طرفداران کلیسای اصلاح‌شده و انگلیکن‌ها نگرش کاتولیکی به اطفال را پذیرفتند. با این حال، تعمید یکی از موضوعات غمباری بود که اصلاحگران بنیادستیز (مانند آناپتیست‌ها) را از دیگر پروتستان‌ها جدا می‌کرد. میشل ستلر (حدود ۱۵۰۰-۱۵۲۷)، منو سیمونز و بالتازار هابمایر (۱۴۸۵-۱۵۲۵) رهبری مخالفت با تعمید اطفال را به عهده داشتند. در دوران معاصر،



و در انگلستان تحت رهبری جان وسلی (۱۹۰۳-۱۹۹۱) تحت عنوان آیین انجیلی (Evangelicalism) شناخته می‌شود.

شرایطی که زمینه را برای این جنبش مهیا کرد، عبارت است از: خردگرایی خشک و بی‌روح انگلستان جدید، ظاهرگرایی در مناسک و شعایر دینی در میان پیروان کلیسای اصلاح‌شده در هلند در مستعمرات میانی (Middle Colonies) و نادیده گرفتن نظارتِ شبانی در جنوب. این جنبش اصولاً در کلیسای اصلاح‌شدهٔ هلند، جماعت‌گرایان، پرسبیترها، باپتیست‌ها و تعدادی از اعضای جامعهٔ انگلیکن رخ داد که بیشتر آنها کالونی بودند. از این‌رو، نهضت بیداری ممکن است تحولی به سوی آیین کالونی انجیلی به نظر برسد.

واعظان جنبش بیداری بر هولناک بودن شریعت (terrors of the law) برای گناهکاران، فیض خداوند که نه از سر شایستگی شخص اعطاء می‌شود و نیز «تولد دوباره» در عیسی مسیح تأکید می‌کردند. یکی از چهره‌های برجسته این حرکت، جرج واینفیلد بود؛ کشیشی از کلیسای انگلیکن که تحت تأثیر جان وسلی بود، اما خودش کالونی بود. او در طول سال‌های ۱۷۳۹-۱۷۴۰ در سراسر مستعمرات برای جمع‌گسترده‌ای از مردم صحبت کرد؛ گرچه

تعداد زیادی بدو گرویدند اما همانند دیگر روحانیون جنبش بیداری مورد حمله واقع شد؛ زیرا به تحریک افراطی احساسات و توهمات خطرناک مذهبی متهم شده بود.

جاناناتان ادواردز بزرگ‌ترین مدافع جنبش بیداری عظیم بود. او کشیشی جماعت‌گرا در بود که تأکید چشمگیری بر کارایی صرف «ایمان» در آمرزیدگی انسان داشت. او هم‌چنین تلاش می‌کرد تا تعریف مجددی از روان‌شناسی تجربهٔ دینی به دست دهد و کمک کند تا کسانی که درگیر این جنبش بیداری شده‌اند، بتوانند تشخیص دهند که کدام کار، کار درست یا نادرست «روح خدا» است.

جنبش بیداری موجب رشد چندین مؤسسه آموزشی شد که شامل دانشگاه‌های پرینستون، رانترز و براون می‌شد. افزایش مخالفت‌ها از سوی کلیساهای رسمی در طول این دوره، به بروز نوعی تسامح و بردباری گسترده انجامید. بیداری بزرگ دوم در انگلستان جدید در دههٔ ۱۷۹۰ شروع شد که به طور کلی نسبت به جنبش اول کمتر جنبهٔ احساسی داشت. جنبش بیداری دوم به تأسیس و پیدایی دانشکده‌ها و حوزه‌های علمی دینی و هم‌چنین ساماندهی گروه‌های میسیونری انجامید. شهرکنناکی نیز تحت تأثیر جنبش بیداری

هلنی (یونانی مآب) اسکندریه نشئت گرفته، امید به جاودانگی روح را مطرح می‌کند (حکمت ۳:۴). با وجود این، همهٔ یهودیان متقاعد نشدند و یوسفوس و عهد جدید، صدوقیان را کسانی معرفی کردند که آموزهٔ رستاخیز را انکار می‌کنند (مرقس ۱۲:۱۸؛ اعمال رسولان ۲۳:۸).

انگیزه برای رفتار درست، در عهد عتیق، به پیمان با خدا نسبت داده شده است؛ پیمان بین خدا و اسرائیل است که بر شبکهٔ روابط انسانی حاکم است، نه انتظار حسابرسی حیات پس از مرگ. بر عکس، در عهد جدید، حق ورود به زندگی آینده به کارهای شخص در حیات کنونی بستگی دارد (مرقس ۱۰:۲۴-۲۵؛ ۱۲:۴۰). انجیل یوحنا ذکر می‌کند که عیسی، در اعمال فرجام‌شناسانهٔ مربوط به رستاخیز همگانی در پایان [جهان]، عامل و کارگزار خداست (یوحنا ۵:۱۹-۴۷) اما تأکید بیشتر بر تجربهٔ حاضر از حیات ابدی است (یوحنا ۱۰:۱۰) نجات عبارت است از داشتن همین زندگی،

در طول این دوره بود. سنت و رسمِ احیاگری‌ها در داخل اردوگاه‌ها از جنبش احیاگری کنتاکی ریشه گرفت و بر جبههٔ آمریکایی آن در قرن ۱۹ تأثیرگذار بود.

*Merriam-Webster's Encyclopedia of World Religions*, p. 387.

احمد آقایی

### حیات ابدی **Eternal Life**

این اصطلاح به معنای رابطهٔ شخصی با خدا به گونه‌ای است که به لحاظ زمانی محدود نباشد. در عهد عتیق، هیچ باور مستمر یا منسجمی دربارهٔ حیات ابدی - به معنای نوعی زندگی خدادادی که مرگ آن را قطع نکند یا با مرگ آغاز شود - وجود ندارد. تنها نوعی ضعیف و مبهم از حیات پس از مرگ در داستان ساحرهٔ اهل عین دور<sup>۱</sup> فرض شده است که سموئیل را برای مشورت با شائول احضار می‌کند، (اول اسموئیل ۲۸).<sup>۲</sup> این نحوه وجود هیچ ارتباطی با خدا ندارد (مزامیر ۵:۶).

اما در قرن دوم قبل از میلاد، نوعی باور به حیات (بقا) پس از مرگ در قالب رستاخیز، در کتاب دانیال پدیدار شد که به یهودیان تحت تعقیب انتیوخوس اپیفانس نوعی آرامش می‌بخشید. این باور در کتاب دوم مکابیان ۷:۱۴ بازگو شده است. از سوی دیگر، کتاب حکمت سلیمان، که از محیط

1. witch of Endor

۲. و شاول به خادمان خود گفت زنی را که صاحب اجنه باشد، برای من بطلبید تا نزد او رفته، از او مسئلت کنم. خادمانش وی را گفتند: اینک زنی صاحب اجنه در عین دور می‌باشد... و شاول شبانگاه نزد آن زن آمده، گفت تمنا این‌که به واسطهٔ جن برای من فالگیری نمایی و کسی را که به تو بگویم، از برایم برآوری.

به خصوص مردان و زنان کاهن برای نزدیک شدن به خدایان بوده است. در ادیان رازورانه (میستریک) یونانی (مانند کیش آسکیپوس)<sup>۱</sup> گمان می‌شد که خدایان تنها بعد از روزه‌داری، آموزه‌های الهی‌شان را در رؤیا و مکاشفه مکشوف می‌کنند؛ روزه‌ای که در آن از خودگذشتگی کاملِ متدینان خواسته می‌شد. در بین مردمان پیشا کلمبیایی پرو، بعد از این‌که فردی به گناهانش نزد کاهن اعتراف می‌کرد، غالباً روزه‌داری یکی از لوازم کفاره به حساب می‌آمد. در بسیاری از فرهنگ‌ها، روزه ابزاری برای آرام کردن خدای خشمگین یا کمک به رستاخیز خدایی بود که گمان می‌شد که مرده است.

در بسیاری از ادیان بومی، همچون سرخ‌پوستان آمریکای شمالی، واقع در دشت‌های بزرگ و شمال غربی اقیانوس آرام، روزه قبل از طلب شهود<sup>۲</sup> یا در طول آن گرفته می‌شد. شمن‌ها، در میان ایونک‌های (تانگوس)<sup>۳</sup> سیبری، برای کسب بصیرت و تسلط بر ارواح روزه می‌گیرند و خود را تمرین می‌دهند. جماعات روحانی سرخ‌پوستان پوئبلو<sup>۴</sup> در جنوب غرب آمریکا، قبل از مراسم مهمی که مربوط به

هم در حیات کنونی و هم به طور ابدی. عهد جدید انتظار حیات ابدی در آینده را بدون گذشتن از مرگ به مؤمنین ارائه نمی‌کند (دوم تیموتاؤس ۲: ۱۱-۱۳). اگر چه ممکن است حیات ابدی در وجود مسیحی هم اکنون و همین‌جا تا اندازه‌ای تجربه شود، اما تحقق کامل آن در آینده در آن سوی مرگ خواهد بود. تعمید، اولین لحظه یا مرحلهٔ این فرایند است (یوحنا ۳: ۵). مرگ مرحلهٔ بعدی است و رستاخیز در روز واپسین (یوحنا ۶: ۴۰؛ ۱۱: ۲۵) مقصد نهایی است.

*Oxford Dictionary of the Bible*, p. 122.

## زینب نژادی

### Fasting

### روزه‌داری

روزه‌داری، امساک از خوردن و نوشیدن یا هر دوی آنها است برای نیل به اهداف آیینی، عرفانی، زاهدانه یا دیگر اهداف دینی و اخلاقی. این امساک ممکن است کامل باشد یا ناقص، طولانی باشد یا کوتاه. بنیانگذاران و پیروان بسیاری از ادیان و افراد برگزیده به لحاظ فرهنگی (مثل داوطلبان انجام مراسم دینی) روزه می‌گیرند؛ افراد یا گروه‌هایی نیز برای اعتراض به آنچه آن را نقض اصول اجتماعی، اخلاقی یا سیاسی می‌دانند روزه می‌گیرند.

در ادیان، انسان‌ها و تمدن‌های ابتدایی، روزه نوعی تمرین برای آماده‌سازی اشخاص

1. Asclepius  
2. vision quest  
3. Evenk (Tungus)  
4. Pueblo

روزه می‌گیرند. مسیحیت به ویژه آئین کاتولیک روم و آیین ارتدوکس شرقی سراسر چله روزه [چهل روز قبل از عید پاک]<sup>۴</sup>، قبل از عید پاک، و ادونت [موسم پیش از میلاد مسیح]<sup>۵</sup>، قبل از عید کریسمس، را روزه می‌گیرند. روزه‌گیری برای کاتولیک‌های رومی بعد از شورای واتیکان دوم تعدیل شد و به افراد خاصی اختیار بیشتری داده شد و روزه الزامی به روزه چهارشنبه خاکستر [نخستین روز از ایام چله روزه] و آدینه مقدس [یادآور به صلیب رفتن عیسی] در چله روزه محدود شد. کلیساهای پروتستان به طور کلی روزه‌گیری را به خود اعضای کلیسای خود واگذار کرد. در اسلام، ماه رمضان دوره‌ای برای توبه و امساک کامل از طلوع تا غروب است.

*Meriam-Webster's Encyclopedia of World Religions*, p. 348.

فاطمه رحیمی ثابت

### زبان‌های کتاب مقدس Language

کتاب عهد عتیق به زبان عبری نوشته شده است، مگر معدود بخش‌هایی از کتاب‌های عزرا و دانیال که به زبان آرامی است: زبانی

تغییرات فصول است، به هنگام عزلت‌نشینی روزه می‌گیرند (نگاه کنید به مدخل آیین‌های آمریکائیان بومی).

یکی از مشخصه‌های ادیان بزرگ، روزه‌داری برای نیل به اهداف خاص قبل از زمان‌های خاصی مقدس یا در طول آن است. در آیین جین، روزه‌گیری و تفکر (مدیتیشن) به خلسه‌هایی می‌انجامد که افراد را قادر می‌سازد تا به مرحله تعالی برسند. راهبان بودایی مکتب تراوادا در روزهای مقدس معینی از ماه اوپوستره<sup>۱</sup> روزه می‌گیرند. در چین قبل از ۱۹۴۹، رسم بود که دوره معینی را روزه بگیرند. آنها قبل از قربانی در طول شب موسم انقلاب زمستانی، یعنی زمانی که تصور می‌شد که اصل یانگ<sup>۲</sup> (نیروی مثبت) کیهانی دور جدیدش را آغاز می‌کند، امساک می‌کردند. در هند، سادوهای<sup>۳</sup> هندو (مردان مقدس) به سبب روزه‌های زیادی که به دلایل متعدد می‌گرفتند، تمجید شده‌اند.

در بین ادیان بزرگ غربی، تنها آیین زرتشت روزه را ممنوع کرده است؛ زیرا آنان معتقدند که چنین ریاضت‌هایی به تقویت مؤمن برای مقابله با شر کمکی نخواهد کرد. یهودیت، مسیحیت و اسلام بر روزه‌داری در دوره‌هایی معین تأکید دارند. در دین یهود، روزهای متعددی از سال، خصوصاً ایام توبه (مثل یوم کیپور، روز کفار) یا سوگواری، را

1. Uposatha

2. Yang

3. Sadhus

4. Lent

5. Advent

اما در فلسطین به ندرت چنین اتفاقی می افتاد. زبان لاتین زبان رسمی در ارتش و ادارات دولتی در روزگار عهد جدید بود اما زبان یونانی زبان اصلی محاوره‌ای بود که حتی کلیسای کاتولیک روم در عبادات دست جمعی از آن استفاده می کرد تا این که در قرن سوم میلادی لاتین به نسبت بیشتری مورد استفاده قرار گرفت و نسبت عظیم تری از تحصیل کردگان لاتینی زبان به کلیسا پیوستند. هیپولیتوس (متوفای ۲۳۶ میلادی) آخرین الهیدان غربی بود که به یونانی نوشت.

عهد عتیق از قرن سوم پیش از میلاد در اسکندریه به زبان یونانی ترجمه شد و بدین ترتیب متن مقدس مسیحیان اولیه شد. عهد جدید به وسیله تاتیان در رم در اواسط قرن دوم میلادی به سریانی و در قرن سوم به زبان لاتین، نخست در افریقا، که در آن زمان از ایالات رومی بود، ترجمه شد.

*Oxford Dictionary of the Bible, P.222*

الف. ابراهیمی نیا

۱. پبلاطوس دستور داد در بالای صلیب او نوشته‌ای نصب کنند که روی آن نوشته شده بود: عیسی ناصری، پادشاه یهود. بسیاری آن نوشته را که به زبان عبری، رومی و یونانی بود، خواندند. چون جایی که عیسی را مصلوب کردند، نزدیک شهر بود. پس سران کاهنان به پبلاطوس گفتند: این نوشته را عوض کنید و به جای «پادشاه یهود» بنویسید: «او گفت که من پادشاه یهودم...»

که در فلسطین از قرن چهارم پیش از میلاد رواج داشت. (آرامی یکی از زبان‌های سامی است که به زبان عبری بسیار نزدیک است.) هنگامی که زبان عبری در محاورات از رونق و رواج افتاد، ترجمه به آرامی ضروری به نظر می رسید و وقتی آنها به شکل ثابت و معین خود رسیدند، به «ترگوم» معروف شدند.

عهد جدید به زبان یونانی نوشته شد و این زبان، زبانی رایج در منطقهٔ مدیترانه بود تا این که به تدریج زبان لاتینی در قرن ششم میلادی جای آن را گرفت. این زبان به زبان یونانی کواینه (رایج) معروف بود، زبانی که جایگزین تغییرات منطقه‌ای شد و زبان کلاسیک یونانی یا آتیکا در سده‌های پنج و شش قبل از میلاد، لغات و تعبیری را از امپراتوری ایران، که مغلوب اسکندر کبیر شده بود، جذب کرد. بسیاری از اسناد و دست‌نوشته‌های پاپیروس، که در مصر کشف شد، معنای لغات یونانی (کواینه) در عهد جدید را روشن کرد و استفاده فراوان از این زبان در قرن اول میلادی در فلسطین حاکی از آن است که شاید خود عیسی هم گاهی اوقات بدین زبان سخن گفته باشد. بر اساس یوحنا (۲۱:۱۹)، پبلاطوس اعلامیه‌ای به زبان عبری، لاتین، و یونانی بر صلیب عیسی نهاد.<sup>۱</sup>

در قسمت غربی امپراتوری روم از قرن دوم قبل از میلاد، افراد تحصیل کرده و فرهیخته به زبان لاتین صحبت می کردند

جامعه‌ای خاص پایدار می‌ماند. ادیان بدان سبب پایدار می‌مانند که نیازهای خاص و ضروری (مانند نگه‌داشتن، انسجام و تعادل) را در جامعه یا شخص تأمین می‌کنند. بنابراین، کارکردگرایی تبیینی علی‌دین است.

در این نظریه، بین کارکردهای آشکار، اهداف مورد نظر و سازمان یافته به وسیله اعضای سیستم، و کارکردهای پنهانی که نه مقصود بوده است و نه پذیرفته شده است، فرق نهاده می‌شود. کارکردگرایی این مطلب را مفروض می‌گیرد که نظام اجتماعی دارای نوعی یکپارچگی کارکردی است که در آن، همه قسمت‌ها با درجاتی از سازگاری درونی با هم کار می‌کنند. این تفکر بر شرایط ثبات، همگرایی و کارایی نظام تأکید دارد. گفته می‌شود که هر فرآیند یا مجموعه‌ای از شرایط که به کار نگهداری و گسترش نظام کمک نکند غیرکارکردی (Dysfunctional) است. بعضی از محققین معتقدند که پیش‌فرض کارکردگرایی چنان طبیعت پر از حشویاتی دارد که مانع از آن می‌شود که به نظریه‌ای مناسب تبدیل شود.

*Merriam-Webster's Encyclopedia of World Religions*, p. 362

مرضیه احمدی

## Filioque

## فیلیوک

واژه لاتینی به معنای «و صادر از پسر»؛ اظهار این‌که روح القدس علاوه بر پدر، از پسر نیز صادر شده است. این عبارت در اعتقادنامه نیقیه در اسپانیای قرن ششم مندرج شد و به تدریج در همه کلیساهای غرب گسترش یافت؛ اما شاید تا سال ۱۰۱۴ در خود کلیسای کاتولیک رم به کار نرفت. اضافه کردن موضوع فیلیوک یکی از دلایل جدایی کلیسای شرق و غرب بود که از سال ۱۰۵۴ شروع شد. کلیسای شرق هنوز این اصل را نپذیرفته است؛ گرچه اکنون آنها معمولاً آن را بدعت محسوب نمی‌کنند؛ مخصوصاً اگر به معنای «از طریق پسر» باشد.

*Merriam-Webster's Encyclopedia of World Religions*, p. 351.

احمد آقایی

## Functionalism

## کارکردگرایی

نظریه شایع و رایجی در علوم اجتماعی که بر این فرض استوار است که همه جنبه‌های جامعه، تأمین‌کننده انواع مختلف نیازها برای ماندگاری جامعه در دراز مدت است. این نظریه اغلب برای توضیح این مطلب استفاده می‌شود که چرا باورهای دینی در

## یهودی‌ستیزی

### ضدیت با نژاد سامی (Anti-Semiticism)

یهودی‌ستیزی یا به عبارت دیگر دشمنی یا تبعیض علیه یهودیان به عنوان یک گروه دینی یا نژادی. واژهٔ یهودی‌ستیزی<sup>۱</sup> ترجمه‌ای از واژه‌های آلمانی *antisemitisch* و *Antisemitismus* است که ابتدا در آلمان در پاییز سال ۱۸۷۹ پدیدار شد. این واژه‌ها به تلاش‌هایی دلالت می‌کند که در آن زمان در اروپای مرکزی بر ضد یهودیان جریان داشت. ابداع این واژه‌ها غالباً به ویلهلم مار<sup>۲</sup> آشوبگر نسبت داده می‌شود؛ هر چند مار این کلمات را تا پیش از سال ۱۸۸۰ به صورت مکتوب به کار نبرد.

به طور کلی، هرجا یهودیان، خارج از فلسطین سکونت گزیده‌اند، یهودی‌ستیزی کمابیش وجود داشته است. در قرن چهارم، مسیحیان عموماً یهودیان را مصلوب‌کنندگان مسیح می‌دانستند که به خاطر نپذیرفتن مسیح و کلیسای او، وطن خود را از دست داده، به آوارگی دائمی محکوم شده‌اند. رهبران کلیسای مسیحی به هنگام اقتدار در امپراتوری روم، سبب وضع قوانینی شدند که یهودیان را از مسیحیان جدا می‌کرد و حقوق دینی یهودیان را محدود می‌ساخت.

در بخش‌های بسیاری از اروپا در طی قرون وسطا، شهروندی یهودیان انکار شد و آنها از تصدی منصب‌های دولتی و نظامی منع شده، از عضویت در صنف‌ها و حرفه‌ها کنار گذاشته شدند. این ادعا که یهودیان کودکان مسیحی را در عید فصح قربانی می‌کنند، ابتدا در قرن دوازدهم مطرح شد و در دههٔ ۱۹۳۰ بخشی از تبلیغات نازی‌ها گردید، همان‌گونه که استفاده از ابزار یهودی‌ستیزانه دیگر قرن دوازدهم - یعنی علامت اجباری زرد رنگ که نشان یهودی بودن فرد بود - نیز در برنامهٔ نازی‌ها قرار گرفت. راندن جمعیت شهری یهودی به گتوها نیز از قرون وسطا آغاز شد و تا پیش از قرن نوزدهم و بیستم در بخش‌های وسیعی از اروپا جریان داشت.

موفقیت‌های برخی یهودیان که در تجارت، بانکداری و وامدهی سرشناس شده بودند، حسادت مردم را برانگیخت. این نارضایتی سبب اخراج یهودیان از کشورها و مناطق متعددی همچون انگلستان (۱۲۹۰)، فرانسه (قرن چهاردهم)، آلمان (دههٔ ۱۳۵۰)، پرتغال (۱۴۹۶)، پروانس (۱۵۱۲) و حکومت‌های پاپی (۱۵۶۹) شد.

1. Anti-Semitic / Anti-Semitism, *Meriam-Webster, Encyclopedia of world Religions*, pp. 62-63.

2. Wilhelm Marr



در سال ۱۴۹۲ در اسپانیا، پیگرد یهودیان به وسیله دستگاه تفتیش عقاید (انگیز یسیون)، با اخراج جمعیت یهودی این کشور به اوج خود رسید. در نتیجه، مرکز حیات یهودی از اروپای غربی به ترکیه، لهستان و روسیه انتقال یافت.

در عصر روشنگری و انقلاب فرانسه، یهودیان به تدریج در کشورهای اروپای غربی از حقوق مدنی برخوردار شدند. هنگامی که موفقیت‌های اقتصادی و فرهنگی یهودیان بار دیگر سبب بروز نارضایتی و دشمنی شد و با تأکید دوباره بر ناسیونالیسم اروپایی همراه گردید، مردم هم‌نژاد، حضور عناصر یهودی «بیگانه» در میان خود را محکوم کردند و بدین ترتیب یهودی‌ستیزی صبغه نژادی به خود گرفت. نظریات شبه‌علمی‌ای که یهودیان را از نژادی پست‌تر از نژادهای به اصطلاح آریایی اعلام می‌کرد، سبب شد تا یهودی‌ستیزی مقبولیت و حمایت عمومی پیدا کند؛ به ویژه در کشورهای که می‌توانستند علی‌الظاهر یهودیان را مسبب مشکلات اجتماعی و سیاسی موجود بدانند. یهودی‌ستیزی در اواخر قرن نوزدهم در آلمان و اتریش، به جنبشی نظام‌مند تبدیل شد که احزاب سیاسی خود را داشت.

پوستری مربوط به دوران جنگ جهانی دوم که در فرانسه تحت اشغال نازی‌ها و از سوی گروهی ضدیهودی موسوم به «مؤسسه همکاری دز زمینه مطالعه پرسش‌های یهودی» منتشر شد. در این پوستر آمده است: «یهودیان در سایه می‌کشند / آنان را علامتگذاری کنید تا بشناسید» (ج. ۱۹۴۲) امپراتوری روس از دهه ۱۷۹۰ یهودیان را به سکونت در مناطق غربی، که به محدوده اقامتی (Pale of the Settlement) شناخته می‌شد، محدود کرد. پس از آن که در سال ۱۸۸۱ شورش‌های گسترده ضدیهودی در این مناطق آغاز شد، بر پایه قوانین امپراتوری در سال ۱۸۸۲، یهودیان از تصاحب زمین‌های روستایی محروم شدند و به شهرهای داخل محدوده اقامتی رانده شدند. این عوامل در چهار دهه بعد، سبب



ناسیونالیست‌های Revanchist متحد شدند و یهودیان را مقصر شکست کشورشان معرفی کردند.

هم‌چنین موج خشونت‌های یهودی‌ستیزانه در آلمان نازی تحت فرمانروایی آدولف هیتلر در سال

مهاجرت میلیون‌ها یهودی به ایالات متحده و تعداد کمتری به اروپای غربی شد.

در فرانسه ماجرای دریفوس (Dreyfus) دستاویز محکمی برای یهودی‌ستیزی شد. در سال ۱۸۹۴ آلفرد دریفوس، افسر یهودی که مقام مهمی در ارتش داشت، به اشتباه به خیانت متهم شد. ارتش فرانسه و رسانه‌های فرانسوی که به شدت ضد یهودی بودند، مانع تبرئه او شدند و نزاعی که به دنبال این ماجرا رخ داد، انسجام حیات سیاسی فرانسه را بر هم ریخت.

در دههٔ اول قرن بیستم، نسل‌کشی‌های جدی‌ای در کیشینیف (چیشیا و مولداوی کنونی) در سال ۱۹۰۳ و ۱۹۰۵ رخ داد و پلیس مخفی روسیه متنی ساختگی به نام، پروتکل‌های دانشوران صهیون<sup>۱</sup> (*Protocols of the Leamed Elders of Zion*) منتشر کرد که به عنوان نقشه‌ای یهودی برای سلطه بر دنیا، دستمایهٔ تبلیغی نسل‌های بعدی آشوبگران یهودی‌ستیز شد. نابسامانی‌های گستردهٔ اقتصادی و سیاسی که معلول جنگ جهانی اول بود، یهودی‌ستیزی را در اروپا تشدید کرد. علاوه بر این، حضور بسیاری از رهبران بلشویک یهودی در انقلاب نوامبر ۱۹۱۷ توجه تازه‌ای به یهودی‌ستیزان در زمینهٔ تعصباتشان در مورد خطر «بلشویسم داد. یهودی» (Jewish Bolshevism) یهودی‌ستیزان آلمان با

۱. ساختگی بودن و یا معتبر بودن این کتاب مورد اختلاف است. برای آشنایی با پروتکل‌های دانشوران صهیون نگاه کنید به: کتاب نویه‌ض، عجاج: پروتکل‌های دانشوران صهیون، ترجمهٔ حمیدرضا شیخی، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۳. پروتکل‌ها در بردارندهٔ ۲۴ پروتکل یا سخنرانی یکی از بزرگان یهود و سران صهیونیزم در مجمعی از دانشمندان و مغزهای متفکر صهیونیزم است که نخستین بار اندکی پس از جنگ جهانی اول از زبان روسی به انگلیسی ترجمه شد. در کتاب یاد شده این پروتکل‌ها به همراه تحلیل تاریخی جنبش صهیونیزم و یهودیت جهانی ذکر شده است. در اهمیت پروتکل‌ها همین بس که تا سال ۱۹۵۸ هشتاد و یک بار به انگلیسی چاپ شده است. از جملهٔ این پروتکل‌ها: همه ملت‌ها و نیز حکومت‌های آنها از لحاظ میزان آگاهی بر اسرار حکومت‌ها در طول تاریخ همچون کودکی نابالغ بوده‌اند (۱۵)؛ ما می‌توانیم هر وقت که لازم باشد افکار عمومی را دربارهٔ یک موضوع سیاسی تهییج یا آرام کنیم یا آن را به او بقبولانیم یا ذهن او را دربارهٔ آن موضوع دچار شک و تردید سازیم. امروز مطالب درست را منتشر کنیم و فردا مطالب کذب و باطل، و در این میان همواره مواظبیم که پایمان نلغزد (۱۲)؛ برنامه‌های ما حکم می‌کند که یک سوم مردم، جاسوسی دو سوم دیگر را بکنند (۱۵)؛ ما همهٔ دربارها را پر از مردان و زنانی کردیم که نزد آنها محبوبیت داشتند اما مزدور ما بودند.

جماهیر شوروی و خاورمیانه اعتبار تازه‌ای در این مناطق به یهودی‌ستیزی بخشید. تبعیض ضدیهودی از زمان استالین شاخصهٔ جامعهٔ شوروی باقی ماند.

مهاجرت تعداد زیادی از یهودیان در قرن بیستم به فلسطین و شکل‌گیری حکومت اسرائیل (۱۹۴۸) موج‌های تازه‌ای از خصومت را در میان جهان عرب، که پیش از آن با جوامع یهودی مدارا کرده بودند، برانگیخت و سبب شد که در سراسر کشورهای مسلمان خاورمیانه، معیارهای ضدیهودی اتخاذ شود. در مقابل، بسیاری از یهودیان آن کشورها در دهه‌های پس از شکل‌گیری اسرائیل به این کشور مهاجرت کردند.

*Merriam-Webster's Encyclopedia of World Religions*, p. 63.

حامد فیاضی

۱. این ادعایی است که بسیاری به خصوص صهیونیست‌ها بر صحت آن تأکید دارند و البته کسانی هم در آن تشکیک و مناقشه کرده‌اند.

۱۹۳۲-۱۹۴۵، جنبش‌های ضدیهودی در مناطق دیگر را تشویق کرد. در فرانسه Cagoulards (به معنای «مردان کلاه‌دار»)، در مجارستان جنبش Arrow Cross، در انگلستان اتحادیهٔ بریتانیایی فاشیست‌ها و در ایالات متحده انجمن آلمانی-آمریکایی (German-American Bund) و پیراهن نقره‌ای‌ها (Silver Shirts) یهودی‌ستیزی را تبلیغ کردند.

تازگی نوع نازی یهودی‌ستیزی این بود که این جریان به طبقه خاصی منحصر نبود. نظریهٔ برتری نژاد آریایی هم برای توده‌های مردم و هم برای نخبگان اقتصادی و اصیل جذاب بود. یهودی‌ستیزی در آلمان به سیاست رسمی دولت تبدیل شد و همین اندیشه در مدارس تدریس شد و مجلات «علمی» و ماشین عظیم تبلیغاتی به شرح و تفصیل آن می‌پرداخت. در سال ۱۹۴۱، از بین بردن یهودیان اروپایی سیاست حزبی و رسمی دولت شد. در حدود ۵/۷۰۰/۰۰۰ یهودی در اردوگاه‌های مرگ همچون اردوگاه‌های مرگ Aushchwitz, Chelmno, Belzec, Majdank, Treblinka در طی جنگ جهانی دوم از بین رفتند.<sup>۱</sup> پس از شکست نازی‌ها در سال ۱۹۴۵، یهودی‌ستیزی جایگاه خود را در اروپای غربی و ایالات متحده از دست داد، اما تحولات اتحاد